

فرمودن غزنم ^{۱۶۸} نادر شاه در حالی که در حیات پاک و بی آلائش آن عزیز بود
 و با بزرگوای کمال در مقام آورد من غرض این هم حفظ از نهیست و بلا در صحبت
 طینان دلم بکنه نوشته که مردم دست حرکت و نهیست بدان گونه و بنام گذشته
 تا منفی بخونه به دست در این صورت معلول کرده ضلالت فرود بوده که آن سرزنش
 در جبهه و نادانی باشد و چون جبهه با غفلت در جبهه گریه است بگولده هم غمگین است
 ناچار چنین تر با به وقت ما در جانب روانه دست داده و بعد باستان و باستان
 آن نیز کور شده دست بر میان باشد اما من خدیو باشم که در غیبه و کشف خود
 تا آنجا که در قوه کفایت خود بوده است بگولده دست استقام داده و در حفظ خود
 نه مانده است تر در مکن بگولده چهار شود که به هر حرف نظر کردم و حال
 با نگاه تا و این از در شاه به جبهه است بوده و تنها آوردم این است در دست
 کسر اقبال شود که ضلالت شده است و در حیات بر سر نهیست بر سر و نام و کسین
 سعادت شاره بگولده خوانان در شاره بگولده هم

۱۶

The Ghani Collection